

به اندازه کافی پیش نرفته ایم

گفتگو با جرمی کوربین

رونان برتنشاو^۱

برگردان: علی ذوالقدر - حمید ذوالقدر



¹ Ronan Burtenshaw

در ماه آوریل سال 2020، جرمی کوربین پس از پنج سال از رهبری حزب کارگر کنارگیری کرد. دوره [او] بسیار پر و سر صدا بود، [می توان] از پیروزی غافلگیرکننده در رقابت رهبری حزب در سال 2015 گرفته تا تلاش برای کودتا در درون حزب و از بازگشت انتخاباتی معروف در سال 2017 تا نهایتاً شکست غم‌انگیز در سال 2019 اشاره کرد. تازه باید به این فهرست برگزیت و آشوب گسترده سیاسی را نیز اضافه کرد.

در این پیش چاپ شماره جدید، جرمی کوربین در کنار ویراستار تریبون رونان برنتشاو نشسته تا درباره دوران تصدی او بر ریاست حزب، تضادها و درس‌های آن صحبت کند.

رونان برنتشاو: دوست قدیمی شما رالف میلی‌بند استدلال می‌کرد که تبدیل حزب کارگر به ابزاری برای نیل به سوسیالیسم یک امر نا امیدکننده [و بی سرانجام] است، آیا پنج سال اخیر این ادعا را اثبات می‌کند و یا نه برعکس، آن را رد می‌نماید؟

جرمی کوربین: فکر نمی‌کنم کاملاً اینطور باشد. من در سال 2015 درحالی انتخاب شدم، که تعداد اعضا و طرفداران حزب به سرعت رشد می‌کرد. اعضای حزب ما در مدت کوتاهی بیش از دوبرابر شد و میخواستیم که حزب به دوران جدیدی پا بگذارد. بنیاد کارزار حزب کارگر در انتخابات‌های 2010 و 2015 براساس شکل‌های متفاوتی از ریاضت اقتصادی درکنار ثابت ماندن دستمزدها و ادامه ی کم کردن بودجه بخش خدمات عمومی استوار شده بود. [اما] من معتقد بودم کشور مجبور است رویکردش را تغییردهد و برای آینده سرمایه گذاری کند، تا [بتوان به این طریق] سیاست‌هایی را توسعه داد که مطابق با آن رویکردهای بین‌المللی و محیط‌زیستی به شکل بنیادی تغییر نمایند.

همچنین می‌خواستیم که حزب بیش از پیش دموکراتیک و یک ارگان مسئول و پاسخگو باشد، با جمعیتی که تمام کشور را نمایندگی می‌کند. حزب کارگر نمی‌تواند در بلند مدت موفق شود اگر تمام کاری که انجام می‌دهد تنها بازی‌های رسانه ای و دنبال کردن سیاست‌های پارلمانتاریستی باشد. [حزب] باید در اجتماعات منطقه‌ای و کوچک حضوری فعال داشته باشد تا باعث بسیج مردم شود و آن‌ها را متقاعد کند که مسائل قابل تغییر هستند. بزرگترین مقاومتی که از سمت بوروکراسی حزب وساختار با آن روبه‌رو شدم، درمورد برقراری سازماندهی محلی بود. آنها میخواستند به روش قدیمی ادامه دهند اما من فکر می‌کردم [اینکار] اشتباه بزرگی است. همانطور که همه می‌دانند از ابتدا با مخالفتی بسیار بزرگ از سمت اعضای حزب کارگر در پارلمان روبه‌رو بودم. یک سال اول تمام زمان ما به فائق آمدن بر فشارهایی که از سمت اعضای درون پارلمانی حزب کارگر وارد می‌شد؛ گذشت، بعد از آن نیز دومین کمپین ریاست حزب در 2016

بود که منجر به پیروزی ما حتی با اکثریتی بزرگتر شد. این باید نشانه ای می‌شد که حزب حداقل عطشی برای تغییر در میان اعضای حزب را به رسمیت می‌شناخت.

رابطه بین اعضای درون پارلمانی حزب، با حزب به عنوان یک کل همواره تا جایی که به یاد دارم موضوع بحث و منازعه بوده است، در اوایل دهه هفتاد، کمپینی برای استقرار دموکراسی در حزب کارگر وجود داشت که هدفش تغییر حزب درون پارلمانی در جهت پاسخگو کردن آن به کلیت جنبش بود. نمایندگان مجلس در آنجا (پارلمان) هستند تنها به این دلیل که اعضای ما و اجتماعاتی که نمایندگی می‌کنند از آنها حمایت کرده بودند.

رونان برتنشاو: شما عملکرد خودتان را به عنوان رییس حزب در جهت اصلاح آن چگونه ارزیابی می‌کنید؟ فکر می‌کنید به اندازه کافی پیش رفتید؟

جرمی کوربین: ما به اندازه ی کافی پیش نرفتیم، ما به اندازه ی کافی سریع هم عمل نکردیم.

ما توانستیم قوانین انتخابات و همچنین قوانین مربوط به انتخاب رهبر حزب را تغییر دهیم، بنابراین بهبودی کوچک در حوزه ی مسائل یادشده اتفاق افتاد. ما توانستیم برخی از [شعبات] منطقه‌ای حزب که تحت "قانون عملکرد ویژه"² قرار داشتند، را از لوای این قانون خارج کنیم. در یک یا دو موردی باقی‌مانده تحت قانون عملکرد ویژه اهمیت چندانی نداشت و آنها می‌توانستند عمل کرده و کارکرد معمول انجمن‌های منطقه‌ای حزب را داشته باشند. چیزی که آرزو داشتم بیشتر پیگیری می‌کردیم - واضح است که در هر صورت باید اتفاق بیافتد - تغییر فرهنگ در عمل احزاب منطقه ای است. آنها باید پاسخگویی بیشتر در برابر اجتماعات نشان دهند. بارها و بارها پیش آمده افرادی که می‌گفتند پس از انتخابات 2015 به حزب پیوسته‌اند، با تماس برقرار کرده و از سرد بودن، غیرصمیمانه و حوصله‌سر بودن جلسات منطقه‌ای حزب شکایت کرده و از عدم میلشان به بازگشت می‌گفتند. آنها حتی ذره ای استقبال از سمت حزب را احساس نکرده بودند، حتی با وجود آنکه به طور کامل از سیاست های محیط زیستی، اقتصادی، عدالت اجتماعی و دیگر مشکلاتی که ما آنها را مطرح کردیم، حمایت کرده بودند.

² Special Measures

به اقداماتی در کشور بریتانیا گفته می‌شود که قانون‌گذاران خدمات عمومی تشخیص می‌دهند برخی افراد یا نهادها استانداردهای معمول را رعایت نکرده و دولت مستقیماً باید در آن دخالت کند.

من فکر می‌کنم حزب باید متوجه این مسئله باشد که دشمنی رسانه ای با حزب کارگر و جنبش کارگری قرار نیست خاتمه یابد. شما همیشه با تعدادی از افراد بسیار ثروتمند و قدرتمند روبه‌رو هستید که حملاتشان را به حزب کارگر ادامه می‌دهند، چراکه [اصولاً] نمی‌خواهند چنین حزبی وجود داشته باشد. تنها پاسخ به آنها ایجاد ارتباط بین خودمان از طریق رسانه های اجتماعی و فعالیت هرروزه در اجتماعاتمان است.

رونان برتنشاو: آیا واقعا امکان پذیر است کمپینی در جهت داشتن یک دولت سوسیالیستی برقرار کرد در حالی که درون حزب یک مخالفت قابل توجه درباره ایده نخست وزیری شما، بخش بزرگی از برنامه‌تان و همچنین با سیاست های یک دولت سوسیالیستی به‌طور کلی وجود دارد؟

جرمی کوربین: خب، وقتی آنها به‌خصوص از بخش درون پارلمانی حزب فشار وارد می‌کنند، مواجه اصلا آسان نیست. آنها به طور کامل با تقریبا تمام آنچه انجام می‌دهید مخالف هستند و شمارا دائما دست کم می‌گیرند. اما این موضوع دربین اکثریت اعضای حزب و به‌طورقطع دربین بیشتر اتحادیه های اصناف رواج ندارد.

من زمان زیادی را صرف حضور در جلسات، کنفرانس ها و گردهمایی های اتحادیه ها کردم و همیشه به گرمی پذیرفته شده‌ام. قصد دارم از جنبش کارگری بخاطر حمایتی که داشتند، تشکر کنم و همچنین اعلام کنم که به ارتباطی که بین حزب کارگر و اتحادیه وجود دارد، بسیار افتخار می‌کنم. این ارتباطی بنیاد و بخش اصلی جنبش ماست.

من [همواره] اظهار کردم، ما با فشردن اهرم‌ها در یک دفتر نمی‌توانیم انتخابات سراسری را ببریم. بنابراین تمام این پنج سال را به سفرکردن به تمام کشور، ترتیب صدها ملاقات، بازدید کارخانه ها، مدارس، دانشگاهها، حضور در جلسات حزبی، جلسات اتحادیه ها، جلسات با مستاجرین و تمام این قبیل چیزها گذراندم. این راهی [مناسب] برای گوش دادن به مردم؛ بسیج کردن آنها، وارد کردن کسانی که درباره تغییرات محیط زیستی و پایان بخشیدن به داستان صرفه جویی جامعه (داستانی که تبدیل به یک نقطه ی مشترک از سمت هر دو حزب شده است). علاقه داشتند، بود. داستانی که ما هرگز نباید دوباره آن را مینا ساختن جامعه قراردهیم.

ما تمام اینها را انجام دادیم. بله مخافان درون حزب اشتباه می‌کردند. من فکر می‌کنم آنهایی که حملات شخصی علیه دیگران در حزب انجام می‌دهند، باید یک لحظه‌ای تامل درباره ی آنچه انجام می‌دهند و چرایی آن بکنند. آنها فقط بخاطر حمایت حزب ها و اجتماعاتشان است که [توانسته‌اند] اعضای پارلمان شوند.

رونان برتنشاو: من برای جمع‌آوری رای به مناطق مختلف کشور سفر کرده بودم، چیزی که [در خلال این سفرها] به آن رسیدم این بود که از یک طرف [حزب] کارگر دارای برنامه‌ای بود که به صورت رادیکال زندگی میلیون‌ها نفر از افراد طبقه کارگر را تغییر می‌داد و اما همزمان مناطقی زیادی [در کشور] وجود داشت که بیش از همه نیاز به این برنامه داشتند اما احساس نمی‌کردند که صاحب آن هستند؟ آیا شما با این توصیف موافق هستید.

جرمی کوربین: من فکر می‌کنم [توصیف شما] کمی ساده‌انگارانه است. ما در سال 2019 300 هزار رای را از حزب کارگر به حزب محافظه‌کار واگذار کردیم. ما برخی از رای‌ها را حتی به به لیبرال دموکرات‌ها و بعضی‌ها را به سبزها دادیم. [همچنین] تعداد زیادی از افراد رای ندادند. این مسئله در مناطقی بیشتر مشهود بود که ما برای سال‌ها در آنجا [پایگاه] رای ساخته بودیم. اکثریتی که در دهه 80 و 90 بسیار بزرگ بود بالاخره در سال 2019 پس از سال‌ها کاهش از میان رفت. [در حقیقت] یک توازانی [میان رای‌ها] در سراسر کشور حاکم شده است که همیشه این مسئله به نفع ما نیست.

به عنوان مثال من برای اولین بار در منطقه خود در سال 1983 به عنوان نماینده مجلس عوام انتخاب شدم. اکثریت ما در آن زمان 5هزار بود. (کمتر از 15 درصد آرا) همان زمان، اکثریت حزب در مناطقی مثل شمال شرق و جنوب ولز چیزی در حدود 20هزار بود. در سال 2019 اکثریت در منطقه من 26 هزار بود اما این مسئله [در حقیقت] یک تصویر آینه‌ای از مناطقی بود که از دست داده بودیم.

مناطق درون شهری، مانند برخی نقاط در لندن تبدیل به پایگاه‌های قدرتمند حزب [کارگر] شدند. درحالی که شهرهای در گذشته صنعتی (دارای یک صنعت مشخص) در مناطق مرکزی و شمالی بسیار ضعیف‌تر شدند. دلایل این مسئله زیاد است. از یک طرف افراد جوان از [این مناطق] به خاطر صنعت زدایی و کمبود شغل مهاجرت کردند. دلیل دیگر از بین رفتن حضور اتحادیه‌های [کارگری] در این مناطق است. پایه عضویت در اتحادیه‌ها از صنعت تولیدی و بخش خصوصی به سمت بخش عمومی تغییر جهت داد.

عوامل دیگری نیز در اینباره وجود دارد: [مثلاً] مسئولین محلی با کاهش بودجه، حذف خدمات اجتماعی و بودجه‌شان و در خیلی از موارد با عدم حضور حزب مواجه شدند. نه به طور کامل اما در بسیاری از بخش‌ها یک جنبش پرشور درباره مسائلی مثل بهداشت و سرمایه‌گذاری مسکن غایب بود. من فکر می‌کنم [در اینباره] درسی که باید برای موفقیت بیاموزد در این است [که این جنبش] باید به صورت موثر و فعال در تمام مناطق دیده شود. یک سیاست معامله‌گرانه باعث پیروزی ما در انتخابات‌های آینده نخواهد شد.

مصاحبه گر: شما یک رهبر غیرمنتظره در تاریخ حزب کارگر بوده‌اید. شاید در طول این تاریخ بشود شما را با جورج لنزبری و مایکل فوت مقایسه کرد که به عنوان یک رهبر سوسیالیست، درون یک حزب سوسیال دموکرات قرار گرفتید. می‌توانید تجربتان از سختی کارتان، چالش‌ها و بحران‌هایی که با آن رو به رو بوده‌اید را مطرح کنید؟

جرمی کوربین: هر روز(البته این مختص به تمام رهبران حزب است) فشارهای بسیاری برای مدیریت و اهدافی که می‌خواهید به آن برسید، وجود دارد. بسیار آسان بود که تنها درگیر مسائل وست منیستر(پارلمانی) شوید و همه چیز را از لنز اتفاقات آنجا ببینید درحالی که تنها برخی از دنبال کنندگان سرسخت سیاست هستند که پارلمان را دنبال می‌کنند و بیشتر مردم ابدًا دنبال [مسائل آن] نیستند و آن را دنبال نمی‌کنند. مردم مشخصاً علاقه‌ای به آن ندارند و زبان و سبک آن را نامفهوم می‌دانند.

شما باید از پارلمان به عنوان راهی برای مطرح کردن مسائل خود استفاده کنید و با مطرح کردن استدلال‌های خود دولت را به چالش بکشید. چراکه این یکی از فرصت‌هایی است که باید از آن به خوبی بهره‌برد. اما همچنین شما باید سیاست‌هایتان را به خارج [پارلمان] هم ببرید. بنابراین من مجبور بودم میان زمان حضور در فضای پارلمانی، وقت برای سفرها به مناطق مختلف و همزمان بودن در محل انتخابیه خود، توازن برقرار کنم. ما براساس یک الگو کار می‌کردیم. من زمانی که پارلمان جلسه داشت و برقرار بود حداقل تا بعداز ظهر چهارشنبه می‌ماندم و سپس پنجشنبه، جمعه، شنبه و یکشنبه صبح را در محل انتخابیه خود و یا سفر به مناطق مختلف می‌گذراندم. [درحقیقت] چالش برانگیزترین بحث‌ها در دفترم درباره تخصیص زمان بود. من همیشه بر گذراندن زمان در محله انتخابیه خودم اصرار می‌ورزیدم زیرا باور دارم به عنوان یک نماینده انجام رساندن وظایف بسیار مهم است.

سپس همواره پرسش درباره چگونگی اولیت‌بندی‌ها بود. زیرا شما توانایی درگیری با تمام مسائل را ندارید. من سیاست‌های پیشرو را اولویت خود قرار دادم. بحث صرفاً در مورد تغییرات اقلیمی نبود بلکه باید یک استراتژی آلترناتیو برای یک انقلاب صنعتی سبز مطرح می‌شد. من فکر می‌کنم این استراتژی یک سیاست بسیار موفق بود. ربکا لانگ بیلی خصوصاً که خیلی روی این مسئله کار کرده بود. کل هدف این بود که محیط زیست را نباید به یک مسئله طاقچه‌ای(بی‌اهمیت) به حساب آورد و برای خوشایند فعالین محیط زیست برخی سیاست‌ها را به اجرا گذاشت و از مطرح کردن بحث با مخاطبان گسترده پرهیز کرد.

همه چیز درباره گفتن این بود که ما خواهان یک انقلاب سبز صنعتی هستیم. برعکس دیگر انقلابات صنعتی ما [میخواستیم] به صورت حقیقی قدرت را بازتوزیع کرده، محیط زیست خود را بهتر کنیم و به مردم اطمینانی از آیندشان بدهیم. چراکه نمی‌شود به محل کار افرادی که در صنایع آلاینده کار می‌کنند

بروید بگوئید من متاسفم این یک صنعت آلوده کننده است و می خواهیم آن را ببندیم بلکه شما باید یک صنعت جدید با مشاغل جدید را مطرح کرده. شما باید چیزها را تحمل پذیر سازید.

من با این مسئله در همایش جی ام بی^۳ در دUBLIN درهنگام انتخابات رهبری حزب سال 2015 رو به رو شدم. بحث درباره فرکینگ^۴ بود. در این همایش افراد رای به حمایت از این صنعت دادند چراکه احساس می کردند این مسئله برای آنها ایجاد اشتغال خواهد کرد. واضحا مشاغلی هم در روند ایجاد و اجرا و خود فرآیند فرکینگ وجود داشت. من در آن جلسه گفتم ببینید من متاسفم اما من با شما در این سیاست موافقم نیستم. من با فرکینگ به چند دلیل مخالف بودم. چراکه این صنعت به سفره‌های آب زیرزمینی صدمه زده، آب را آلوده و درحقیقت باعث انتشار بیشتر کربن می‌شود. اما من طرفدار سرمایه گذاری‌ها بزرگ در انرژی‌های تجدیدپذیری مثل باد، موج، خورشید و زمین گرمایی بودم. حقیقتا در این انرژی‌های شغل‌های بسیار بیشتری وجود داشت. این صنایع برای طولانی مدت پایدار بودند درحالی که فرکینگ نبود.

یکی دیگر از مسائل در این همایش که نقطه عطف کارزار رهبری حزب در سال 2015 بود رای ممتع حزب به لایحه اصلاحی رفاه محافظه کارها بود. زمینه این رای شکست در انتخابات سراسری بود که نشانگر طرفداری مردم از قطع مزایا بود. و البته من ایدا اینطور فکر نمی‌کردم.

من رای مخالف به این لایحه دادم و کاملا از خودم مطمئنم که کار درست را انجام دادم. ما هرگز نباید وارد قلمرویی این مواضع شویم که مردم درباره می‌توانند طرفدار قطع مزایا و [سیاست‌های ریاضتی] باشند. زیرا اگر به یک جامعه فراگیر اعتقاد داشته باشید که از تمام مردم حمایت می‌کند، شما باید دارای یک سیستم تامین اجتماعی باشید که مردم را مطمئن سازد که به همه اهمیت داده می‌شود. در بریتانیا امروز استثنائات زیادی وجود داد. تعداد زیاد از مردم همانطور که بحران کووید-19 نشان داد به سمت یک زندگی حاشیه‌ای سوق داده می‌شوند.

³ GMB hustings

همایش اتحادیه کارگری سراسری بریتانیا

⁴ Fracking

صنعت استخراج گاز از سنگ‌ها

در فاصله بسیار کمی از خانه من مردمی در حاشیه فینزبری پارک^۵ زندگی می‌کنند که هیچ بهره‌ای از بودجه عمومی نبرده، درآمدی ندارند و بخاطر بحران پیشرو کارشان را از دست داده‌اند. آنها در وضعیتی ناامیدکننده هستند و برای تامین غذایی خود وابسته به کلیسا و یا مسجد می‌باشند. این بریتانیا جدید است و من مصمم بودم که باید تصمیماتی که منجر به این اتفاقات شده است را تغییر دهم.

من همچنین فکر می‌کردم باید گفت و گوها درباره مالکیت عمومی و مسائل بین المللی را تغییر دهم. من همواره فکر می‌کردم که خصوصی سازی سیستم ریلی کار اشتباهی بود. ما پول را به شرکتهای حمل نقل ریلی تزریق کردیم و بسیاری از افراد [به این واسطه] پول بسیاری به جیب زدند. درحقیقت جامعه پول زیرساختها را داد و آنگاه سودها خصوصی شد. من سرسختانه از مالکیت کامل عمومی طرفداری می‌کردم. و حقیقتا به سندی که اندی مک دانلد^۶ به نام جی بی ریل^۷ منتشر کرد و درباره مالکیت عمومی سیستم ریلی بود، افتخار می‌کنم.

البته من درباره این موضوع نیز مطمئن بودم که ما برای مالکیت عمومی می‌جنگیم که لزوماً به مانند مدل 1940 نبود. [مدلی] که دولت مقام تعیین کننده صنایع ملی بود و در نهایت به مدل بخش خصوصی تغییر یافت. من به دنبال یک شکل دموکراتیک تر از مالکیت بودم. ما این راه را در موضوع آب دنبال کردیم و [خواستار آن شدیم] که اجتماعات و مقامات محلی درگیری بیشتری با این مسئله داشته باشند و [همچنین] از رویکردهای رودخانه محور زیست محیطی استفاده نمودیم. در اینکار حمایت بزرگی از ما شد، اما مخالفان به صورت قابل پیش بینی با استفاده از بودجه‌های عظیم شرکت‌های آبی ما، به مخالفت می‌پرداختند.

من همچنین قصد داشتم بر سیاست خارجی نیز تاثیر بگذارم. من قاطعانه به این باور دارم یک جهان صلح‌آمیزتر از طریق برابری اقتصادی، احترام به حقوق بشر و عدالت ممکن می‌شود. در سخرانی که در هاید پارک درباره جنگ عراق (سال 2003) انجام دادم، درباره این هشدار دادم که اگر شما یک جنگ با عراق آغاز کنید، دیگر نمی‌توانید جلوی عواقب آن و درگیری‌ها آینده را بگیرید. مردم آواره شده و یا تروریسم ممکن است به همراه [این جنگ] بیاید.

⁵ Finsbury Park

⁶ Andy McDonald

⁷ GB Rail

من به عنوان یک رهبر متعهد شدم تا سیاستمان را تغییر داده و بخاطر جنگ عراق عذرخواهی کنم. وقتی که من جوابیه را به بیانیه چیلکات⁸ دادم و سپس از خانواده‌ها و نزدیکان نظامیان پوزش خواستم، سخت‌ترین مخالفت‌ها از سوی خود اعضای حزب کارگر به سمت من روانه شد. آن روز یکی از تکان‌دهنده‌ترین لحظات در کل پنج سال رهبری من بود، ایستادن در برابر گروهی از مردم که بخاطر جنگ عراق اعضای خانوادشان را از دست داده بودند و به دنبال دلیل آن بود، [کاری بسیار دشوار بود].

رونان برتنشاو: علاوه بر مسائل درونی اداره کردن حزب، سوالاتی درباره سیاست‌های کلی در زمان رهبری شما نیز وجود دارد. شاید برگزیت مهم‌ترین آن باشد؛ نظر شما درباره نحوه برخورد با این موضوع چیست؟

جرمی کوربین: من می‌خواستم در یک جامعه سوسیالیستی زندگی کنم و همچنین به دنبال کاربرد بهترین روش برای رساندن همه با خودم بودم. شما باید تمام چیزها را برای هدفی که می‌خواهید نهایتاً به آن برسید، آماده کنید. در تمام مدت بزرگسالی من، اتحادیه اروپا و بازار مشترک یک عامل مهم در سیاست‌های [این کشور] بود. من همچنان جزوه‌ها و بیانیه‌هایی از فراندوم سال 1975 با خود همراه دارم. نگران نباشید، قصد نشان دادن آنها را به شما ندارم. (باخنده)

بگذریم، مخالفت من در آن زمان با بازار مشترک بود، چراکه این تنها یک بازار بود و هیچ چیز از جامعه متصل شده اروپایی نداشت. کمپین [مخالفت با بازار مشترک] یک ائتلاف سخت میان نیروهای ناسیونالیست و افرادی در چپ بود که مخالف این برنامه بودند، چراکه [چپ‌های مخالف] احساس می‌کردند، سیاست بازار آزاد به زیرساخت‌های اجتماعی کشور آسیب می‌زند. تنش‌هایی در میان مخالفان و موافقان این سیاست در سال 1975 وجود داشت.

اکثریت در این فراندوم به باقی ماندن در بازار مشترک رای دادند. هرچند این وضعیت به آرامی تغییر کرد. بازار مشترک به اتحادیه اروپا تغییر یافت و عناصر اجتماعی آن توسعه پیدا کرد. مارگارت تاچر مخالف بزرگ این تغییر بود. در نهایت تلاش کرد تا در این راه حمایت چپ میانه را به دست بیاورد. نمی‌توان انکار کرد عناصر اجتماعی زیادی در سیاست‌های اروپا وجود داشت، مثل محافظت‌ها از محیط زیست، حمایت از مصرف‌کننده و [همچنین] به صورت اعجاب

⁸ Chilcot Inquiry

بیانیه‌ای که در آن دولت بریتانیا از دخالت خود در جنگ عراق صحبت کرد

آوری نکات حقوق بشری در مبادلات اقتصادی اروپا نیز در نظر گرفته شده بود، اگرچه این سیاست‌ها در انجام این اهداف ناموفق بودند. به همین جهت حمایت از اصول باقی ماندن در اتحادیه اروپا رشد کرد و در درون حزب نیز این تغییر به وجود آمد.

حزب نهایتاً با ایده رفراندوم موافقت کرد چراکه فکر می‌شد به راحتی برنده خواهد شد و از این طریق نایجل فراژ⁹ نیز خفه خواهد شد. این اصلاً اتفاق نیفتاد. من کارزاری را برای شعار ماندن و اصلاح کردن درون اتحادیه اروپا را ترتیب دادم. نمی‌خواستیم اشتباه ائتلافی که با محافظه کارها در اسکاتلند شد را تکرار کنیم. به همین جهت حزب کارگر کارگزار خودش یعنی ماندن و اصلاح کردن را مطرح کرد و برای تبلیغ آن به کل کشور سفر کردم.

در نتیجه رفراندوم [نشان داد] آن مناطقی که بیشترین میزان بیکاری را به خاطر سیاست‌های صنعتی زدایی تاجاری تجربه کرده بودند، رای مخالف دادند. درحالی که در مناطقی درون شهری مثل منطقه من که آنجا نیز بخاطر سیاست‌های تاجری ضربه دیده بود آری گفت. چیزی که همواره من می‌گویم این است که اگر شما دارای یک شغل با حداقل دستمزد هستید، یا شغلی ناپایدار و قراردادی دارید و در بخش خصوصی شمال لندن و یا منزفیلد¹⁰ زندگی می‌کنید ممکن است تفاوت عقایدی میان بودن یا نبودن در اتحادیه اروپا داشته باشید ولی منافع شما در کل یکی است.

من تلاش کردم که این پیام را حتی پس از انتخابات گسترش دهم تا دوباره به موضوعی برجسته تبدیل شود، اما مسئله بسیار دشوار بود. حزب ناچاراً به بحث‌های درونی زیادی کشیده شد، به خصوص میان اعضا کابینه سایه با نمایندگان حزب کارگر در پارلمان. من حس کردم تنها راه پیشروی از این بحث یک توافق بود که نهایتاً به صورت خیلی عجیب و غریبی در کنفرانس 2019 اتفاق افتد. بحث بیشتر درباره مذاکره درباره مبادلات و توافقات مشترک با اتحادیه اروپا بود و اینکه ما باید این تفاهم نامه را به منظر آرا عمومی تا شش ماه آینده بگذاریم. تا این مسئله یک بار برای همیشه به پایان رسد.

این تفاهم پس از گفت و گوهای طولانی و فرسایشی حاصل شد. اما متأسفانه پس از آن، بسیاری از افراد صرفاً گفتند: "خب این بد نیست اما ما به همان شیوه قدیمی دوباره زمین‌مان شخم خواهیم زد" بوریس جانسون از این مسئله به شیوه بسیار بدی در انتخابات سراسری استفاده کرد و گفت او کسی است که برگزیت را به سرانجام خواهد رساند. محافظه کارها پیامی بسیار ساده را منتقل کردند و رسانه‌ها نیز با آن همراه شدند.

⁹ Nigel Farage

سیاست‌مدار و مجری رادیویی در انگلستان که به طرفداری سیاست‌های ناسیونالیستی افراطی و مخالفت با اتحادیه اروپا معروف است

¹⁰ Mansfield

اگر همه پشت توافقی که ما در کنفرانس 2019 به آن رسیده بودیم، می ایستادند. ما می توانستیم بحث‌ها و شعارها به سمت عدالت اجتماعی بکشانیم، اما آنها اینکار را نکردند. دائما به این بحث‌ها دامن زده می‌شد. من به یاد می‌آورم در یک گردهمایی بزرگ در نیوکاسل ایان لاوری صحبت بسیار جالبی را مطرح کرد. او گفت: من نمی‌خواهم در یک حزب طرفدار باقی‌ماندن در اتحادیه اروپا عضو باشم، من نمی‌خواهم عضو یک حزب طرفدار خروج از این اتحادیه اروپا باشم. من می‌خواهم عضو یک حزب سوسیالیست باشم.

به هر صورت، نتیجه آن بود که دیدیم. اکنون ما در برابر یک دولت محافظه‌کار خطرناک بدون رقیب قرار داریم. آنها احتمالا به یک جور توافق با اتحادیه اروپا خواهند رسید، اما آنچه ثابت شد این است که این امر بسیار دشوار است. آیا راه بهتری وجود داشت؟ بله قطعاً، حزب می‌توانست همان سیاست‌های سال 2017 را دنبال کرده و به نتایج رفرااندوم احترام بگذارد و تلاش کند که روابطی را در آینده با اروپا بسازد. اما حمایت و پشتیبانی از رفرااندوم مجدد در حزب بسیار عظیم بود. این مسئله در فشارهای کنفرانس 2018 واضح نمایان شد. نتیجه این درگیری‌ها توافق بود که در 2019 حاصل گردید.

رونان برتنشاو: آیا شما از چالش موجود لذت بردید؟

جرمی کوربین: بله هر دقیقه آن جذاب بود.

رونان برتنشاو: خب من خوشحال هستم

جرمی کوربین: من نت‌هایی از کمک همه در هر جلسه کابینه سایه برداشته‌ام.

رونان برتنشاو: بسیار خب. با توجه به گذشته آیا چیزی وجود دارد که در تاریخ [دوران رهبری شما] ثبت نشده باشد.

جرمی کوربین: بسیار!!

منبع:

<https://tribunemag.co.uk/2020/10/jeremy-corbyn-we-didnt-go-far-enough>

